

واکاوی موانع عرفی شدن حکومت دینی در افکار و باور آیت‌الله مطهری با استفاده از روش تحلیل مضمون

سعید قربانی*

فاطمه طاهرخانی**

چکیده

نظام اسلامی براساس اصول و مبانی و ارزش‌های دین اسلام پایه‌ریزی شده است تا جامعه را براساس مبانی دینی هدایت کند. در مقابل دین اسلام، حاکمیت مبانی عرفی به جای مبانی دینی مطرح است که در آن دین در انزوا قرار می‌گیرد و عرفیات به‌عنوان تعیین‌کننده حیات حکومت در مرکز توجه قرار می‌گیرد. در جهان اسلام اندیشمندان مختلفی به این امر هشدار داده‌اند. سؤال قابل طرح این‌که موانع عرفی شدن نظام اسلامی در اندیشه شهید مطهری کدامند؟ روش به‌کارگیری در این پژوهش تحلیل مضمون خواهد بود. یافته‌های پژوهش همچون اصلاح نگرش نسبت به دین اسلام، خودباوری، نگرش چندبعدی به اسلام، استقلال سیاسی، شناخت و معرفت دقیق به اسلام و به‌کارگیری صحیح آن، اخلاص در امور و امر به معروف و نهی از منکر و مانند آنها حکایت از این دارند که موانع عرفی شدن نظام سیاسی از نگاه شهید مطهری در سه بعد بینشی اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی، سیاسی ریشه دارد که در صورت توجه جامعه اسلامی صیانت پیدا می‌کند.

واژگان کلیدی

اسلام، شهید مطهری، عرفی شدن، سکولار شدن، مسلمانان، نظام اسلامی.

۱. بیان مسئله

حکومت اسلامی براساس مبانی و ارزش‌های اسلامی پایه‌گذاری شده است که هدایت‌کننده جامعه براساس اصول اسلامی است و دین در متن جامعه در ابعاد مختلف حکومتی نقش اصلی دارد. در مقابل این مفهوم، معنای دیگری نیز قابل تصور است و آن هم سکولار شدن (عرفی شدن) حکومت است که در آن دین از متن جامعه به حاشیه رانده می‌شود و قانون صرف بشری بر جامعه حکم فرما می‌گردد. در این مقاله از میان متفکران مسلمان مخالف سکولاریسم، به اندیشه آیت‌الله مطهری توجه خواهد شد. سؤال اصلی مطرح شده در مقاله این است که از منظر آیت‌الله مطهری، موانع عرفی شدن نظام چیست؟ روش به کار گرفته شده در این پژوهش، از نوع تحلیل مضمون است. موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اندیشه شهید مطهری در سه بعد بینشی - اعتقادی، فرهنگی - اجتماعی و سیاسی، قابلیت تحلیل و بررسی دارد. در نگاه شهید مطهری صرف بعد فرهنگی و سیاسی و اجتماعی نمی‌تواند جامعه اسلامی را در مقابل آسیب عرفی شدن رهایی بخشد، لذا جهت آسیب‌شناسی و دوری از آسیب‌دیدگی جامعه اسلامی، ضرورت دارد که به موارد یادشده توجه شود که در ذیل مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۲. پیشینه پژوهش

در باب سکولاریسم و زمینه‌های نفوذ آن در جوامع مختلف اسلامی از نگاه روشنفکران و محققان داخلی و خارجی، کتاب‌ها و مقالاتی نگاشته شده است، ولی پژوهشی که به صورت منسجم اندیشه متفکران انقلاب اسلامی را در باب زمینه‌های بازدارندگی در قبال سکولاریسم به رشته تحریر درآورده باشد، مشاهده نشد. لذا به نوعی، نوآوری پژوهش حاضر، بررسی نگاه آیت‌الله مطهری در رابطه با زمینه‌های بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران از رخنه مبانی سکولاریسم است. در زیر به مواردی از مباحث، تحت‌عنوان پیشینه و سابقه پژوهش در باب ارتباط با موضوع حاضر اشاراتی می‌شود: ماهرزاده (۱۳۹۵) در کتابی تحت‌عنوان *مبانی فلسفی و اجتماعی سکولاریسم و مدرنیسم: چالش‌هایی در حوزه معرفت دینی* روندهای ظهور و تجلی سکولاریسم را در جهان غرب مورد بررسی قرار داده است و کلیسا را مهم‌ترین عامل در بروز مبانی سکولاریسم دانسته است. قدردان قرامکی (۱۳۸۰) در کتابی تحت‌عنوان *سکولاریزم در مسیحیت و اسلام* زمینه‌های تجلی و ظهور سکولاریسم در غرب را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که به دلیل عملکرد انحرافی و فساد حامیان مسیحیت، سکولاریسم در ابعاد زندگی اجتماعی، جایگزین مسیحیت شده است. صفری (۱۳۹۸) در پایان‌نامه *بررسی چگونگی بازنمایی جلوه‌های عام و خاص مدرنیته در اندیشه اسلام سیاسی شیعه؛ مطالعه موردی اندیشه سیاسی امام خمینی و مرتضی مطهری*

تلاش کرده است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی جلوه‌های عام و خاص مدرنیته علی‌الخصوص بحث سکولاریسم را از منظر امام خمینی و شهید مطهری مورد واکاوی قرار دهد. میراحمدی (۱۳۸۷) در کتابی تحت‌عنوان *سکولاریسم اسلامی: نقدی بر دیدگاه روشنفکران مسلمان* مسئله سکولاریسم در جهان اسلام را مورد واکاوی قرار داده است. مریجی (۱۳۸۷) در کتابی تحت‌عنوان *سکولاریسم و عوامل اجتماعی شکل‌گیری آن در ایران* در ابتدای بحث، اصول و مبانی سکولاریسم را بررسی کرده و در ادامه رابطه بین اسلام و سکولاریسم را مورد توجه قرار داده است. بریهی (۱۳۹۶) در رساله *بررسی فقهی و حقوقی آثار سکولاریسم* ضمن بررسی مفهومی سکولاریسم، تلاش کرده است تا با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، آثار و پیامدهای عرفی شدن را براساس نگاه فقهی و حقوقی مورد تبیین و بررسی قرار دهد. امیدوی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت‌عنوان *چالش‌های سکولاریستی و حیطة عمل حکومت اسلامی* مفهوم سکولاریسم را در سطوح مختلف آن مورد واکاوی قرار داده است و در ادامه مؤلفه‌های سکولاریسم را بررسی کرده است. محمدرحیم عیوضی و همکارش (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت‌عنوان *دیدگاه حضرت امام خمینی درباره مبانی سکولاریسم* نگرش امام در باب سکولاریسم و خصوصی شدن دین در عرصه حیات انسان را مورد بررسی قرار داده است و نگاه امام در رابطه با عدم دخالت دین در عرصه اجتماعی و محصور شدن آن در بعد فردی صرف را نشان داده است. کمالی اردکانی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت‌عنوان *نقد سکولاریسم از دیدگاه امام خمینی* ارتباط بین دین و سیاست و نقش سیاسی اسلام در جامعه اسلامی از منظر امام را مورد واکاوی و تبیین قرار داده است. جعفری (۱۳۸۱) در مقاله‌ای تحت‌عنوان *سکولاریسم از دیدگاه شهید مطهری* ارتباط دین و سیاست در اسلام و حکومت اسلامی را مورد عنایت قرار داده و نتیجه گرفته است که از منظر شهید مطهری دین و سیاست توأمان هستند و جدایی بین آنها محلی از اعراب ندارد.

در مجموع پژوهش‌های ذکر شده، روند نگاه اسلام و سکولاریسم نسبت به یکدیگر را مورد واکاوی قرار داده‌اند. از این‌رو نوآوری پژوهش حاضر این است که نگاه آیت‌الله مطهری را نسبت به زمینه‌های بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران از رخنه سکولاریسم مورد واکاوی قرار می‌دهد و نوآوری دیگر، استفاده از روش تحلیل مضمون خواهد بود.

۳. مباحث بنیادین و چارچوب مفهومی پژوهش

۳-۱. جامعیت مکتب اسلام

از نگاه شهید مطهری، دین اسلام آیینی است جامع که شامل تمام شؤون حیات بشر، اعم از ظاهری و

باطنی می‌گردد و درعین حال که مکتبی تهذیبی و اخلاقی است، سیستمی اجتماعی و سیاسی هم به‌شمار می‌رود. (روستایی، ۱۳۸۱: ۷۵) او در تشریح همه‌جانبه بودن احکام و آموزه‌های دین اسلام، مجموعه تعلیمات اسلامی را در سه بخش عقاید، اخلاقیات و احکام قابل تقسیم دانسته و در این باره می‌نویسد:

اسلام که بر چنین جهان‌بینی بنیاد شده است، مکتبی است جامع و واقع‌گرا. در اسلام به همه جوانب نیازهای انسانی - اعم از دنیایی یا آخرتی، جسمی یا روحی، عقلی و فکری یا احساسی و عاطفی، فردی یا اجتماعی - توجه شده است.

شهید مطهری آموزه‌های اسلام را در سه بخش تقسیم می‌کند که بیان‌گر جامعیت دین اسلام و گستردگی قلمرو آن است. این سه بخش عبارت‌اند از:

الف) اصول عقاید، یعنی چیزهایی که وظیفه هر فرد، کوشش درباره آنهاست. کاری که در این زمینه بر عهده انسان است، از نوع کار تحقیقی و علمی است.
ب) اخلاقیات، یعنی خصلت‌هایی که وظیفه یک فرد مسلمان این است که خویشان را به آن خصلت‌ها و خوبی‌ها بیاراید و از اضرار آنها خویشان را دور نگاه‌دارد. کاری که در این زمینه بر عهده انسان است، از نوع مراقبت نفس و خودسازی است.
ج) احکام، یعنی دستورهایی که به فعالیت‌های خارجی و عینی انسان، اعم از فعالیت‌های معاشی و معادی، دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی مربوط است. (مطهری، ۱۳۶۲: ۱ / ۵۴)

مطهری یکی از امتیازهای سید جمال را معرفی اسلام به‌عنوان دین جامع و بی‌نیازکننده جوامع بشری دانسته و می‌گوید:

باز به‌دنبال همین برنامه که می‌خواست اسلام را مکتب و ایدئولوژی جامع و بی‌نیازکننده معرفی کند، به دفاع از انتقادهایی که از اسلام در اروپا می‌شد، پرداخت. در اروپا علیه اسلام تبلیغ می‌شد که اسلام دین جبری و قضا و قدری است و آزادی فرد را نفی می‌کند و علت انحطاط مسلمانان، اعتقاد آنها به قضا و قدر جبری و کور است و می‌گفتند اسلام ضد علم است، دوری مسلمانان از علم را باید در تعلیمات خود اسلام جست. سید در مجله عروة‌الوثقی و در مقاله‌ای مستقل، از نظریه اسلام درباره قضا و قدر دفاع کرد و آن را در شکل اسلامی‌اش نه‌تنها عامل انحطاط ندانست، برعکس عامل ترقی و تعالی شمرد و همچنین به ارنست رنان، فیلسوف فرانسوی معاصرش که به اسلام تاخته بود و آن را ضد علم و عامل انحطاط مسلمین به‌حساب آورده بود، پاسخ داد. (مطهری، ۱۳۷۰: ۲۳)

در اندیشه شهید مطهری دین اسلام، دین جامعی است که خدا و انسان را به یکدیگر پیوند زده است، به طوری که در یک طرف آن الله است و در طرف دیگر آن بشر به عنوان خلیفه الهی جای دارد:

اسلام دینی است از طرف خدا برای انسان که در این جهان زندگی می‌کند. پس این دین یک سرش به خدا وابسته است و یک سرش به انسان، و انسان موجودی از موجودات این جهان است و یکی از مختصاتش این است که زندگی او یک زندگی اجتماعی است. (مطهری، ۱۳۹۸ ب: ۴۳)

شهید مطهری در باب دیگری به چند بعدی بودن اسلام اشاره کرده و در این باره اذعان می‌کند:

این مکتب مقدس الهی به همه ابعاد انسان، اعم از جسمی و روحی، مادی و معنوی، فکری و عاطفی، فردی و اجتماعی توجه عمیق داشته است. (مطهری، ۱۳۸۹)

۲-۳. اسلام، سیاست و حکومت‌داری

از نگاه شهید مطهری دین اسلام دین حکومت‌داری است، مبنای دین این نیست که صرفاً دعوتی صورت گیرد و مردم مشغول در معنویات شوند، بلکه هدف دین اسلام تشکیل حکومت و پیاده‌سازی آموزه‌های الهی است: «اسلام دین سیاست است، اسلام دین اجتماع است». (مطهری، ۱۳۷۴: ۵۴) مطهری دولت و حکومت را مظهر قدرت و عدالت و قانون دانسته و در این زمینه آورده است:

پس دولت و حکومت در حقیقت یعنی مظهر قدرت جامعه در برابر هجوم خارجی و مظهر عدالت و امنیت داخلی و مظهر قانون برای داخل و مظهر تصمیم‌های اجتماعی در روابط با خارجی. (مطهری، ۱۳۷۸ الف: ۱۰ / ۴۹)

براساس بیانات شهید مطهری، در نگاه محمد عبده، در اسلام ظرفیت و توانایی جهت اداره جامعه اسلامی وجود دارد؛ لذا بر امت اسلامی است که بر مبنای اسلامی تکیه کند:

عبده مانند سید جمال در پی آن بود که ثابت کند اسلام توانایی دارد که به صورت یک مکتب و یک ایدئولوژی، راهنما و تکیه‌گاه اندیشه جامعه اسلامی قرار گیرد و آنها را به عزت دنیایی و سعادت اخروی برساند. از این رو سعی داشت فلسفه‌های دنیایی و اجتماعی مقررات اسلامی از قبیل نماز و روزه و حج و زکات و انفاق و استحکام اصول اخلاقی اسلام را روشن نماید. (مطهری، ۱۳۷۰: ۳۷)

از منظر شهید مطهری، نگاه اسلام به دولت‌ها و ملت‌ها براساس ملیت و قومیت نیست، بلکه نگاهی فراتر و بر مبنای دین و بینش دینی است:

در دین اسلام، ملیت و قومیت به معنایی که امروز میان مردم مصطلح است، هیچ اعتباری ندارد، بلکه این دین به همه ملت‌ها و اقوام مختلف جهان با یک چشم نگاه می‌کند و از آغاز نیز دعوت اسلامی به ملت و قوم مخصوصی اختصاص نداشته است، بلکه این دین همیشه می‌کوشیده است که به وسایل مختلف، ریشه ملت‌پرستی و تفاخرات قومی را از بیخ و بن برکند. (مطهری، ۱۳۸۹: ۶۲)

۳-۳. پیوند دیانت و سیاست

مطهری از میان ادیان و مذاهب گوناگون، اسلام را یگانه دینی می‌داند که در شئون حیات مردم وارد شده و مداخله کرده است و رابطه متقابل با مقوله سیاست و حکومت دارد و نسبت این دو مقوله را نسبت روح و بدن و مغز و پوسته توصیف می‌کند. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۵: ۱۸) وی پیوند دین و سیاست را از زاویه نگاه امام خمینی مورد واکاوی قرار می‌دهد و از این زاویه مخالفت خود را با جدایی دین از سیاست ابراز می‌کند:

مسئله عدم جدایی دین از سیاست را مطرح کردند و اینکه در اسلام دین از سیاست جدا نیست... علمانیت یعنی جدایی دین از سیاست، حساب دین باید از حساب سیاست جدا باشد. بعد از سید جمال روی زمینه علمانیت فوق‌العاده کار کرده‌اند. در مصر افراد زیادی پیدا شدند با رنگ ملی‌گرایی، ناسیونالیستی، پان‌عربیسم و تکیه بر قومیت برای این که فکر جدایی دین از سیاست را تبلیغ کنند. اخیراً هم دیدید که انور سادات همین مسئله را بار دیگر مطرح کرده که دین را به سیاست چه کار؟ دین مال مسجد است، دین کار خودش را در مسجد باید انجام بدهد، مذهب را چه کار که در مسائل سیاسی مداخله کند. این مسئله زیاد مطرح شده بود ولی وقتی که مردم از زبان یک مرجع تقلید، کسی که کوچک‌ترین آداب مذهبی خودشان را با وسواس تمام کوشش می‌کنند با دستورهای او منطبق کنند، در کمال صراحت می‌شنوند دین از سیاست جدا نیست. (مطهری، ۱۳۸۵: ۸۷)

از منظر شهید مطهری، دین همانند مغز و سیاست به سان پوسته است. پوسته وسیله‌ای جهت صیانت از هسته و مغز است، ولی وقتی پوسته جدا شد، به درد جامعه نمی‌خورد و امت اسلامی را به انحراف و تحریف و بدعت سوق می‌دهد:

این روح و بدن، این مغز و پوست باید به یکدیگر ببینند. فلسفه پوست حفظ مغز است، پوست برای حفظ مغز است. اهتمام اسلام به امر سیاست و حکومت و جهاد و قوانین سیاسی برای حفظ موارث معنوی یعنی توحید و معارف روحی و اخلاقی و عدالت اجتماعی و مساوات و عواطف انسانی است. اگر این پوست از این مغز جدا باشد البته مغز گزند می‌بیند و پوست خاصیتی ندارد، باید سوخته و ریخته بشود. (مطهری، ۱۳۷۸: ۹ / ۱۸۵)

۴. روش تحقیقات کیفی و تحلیل مضمون

تحلیل مضمون روشی است که عموماً جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در تحقیقات کیفی اولیه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. (بخت‌آزمای و منتظر خراسان، ۱۳۹۶: ۲۸) تحلیل مضمون، روشی جهت شناختن، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. روش مذکور، فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی می‌باشد و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی تفصیلی و غنی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون فقط روش کیفی خاصی نیست؛ بلکه روندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرد. به‌صورت کلی تحلیل مضمون روشی برای دیدن متن، برداشت و درک و فهم مناسب از اطلاعات و یافته‌های علی‌الظاهر بدون ارتباط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند فرد، تعامل، گروه، سازمان، موقعیت و فرهنگ و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی است. برای تحلیل مضمون می‌توان از نرم افزارهای تحلیل محتوای کیفی هم بهره برد. روش مذکور از شمارش کلمات و عبارات ظاهری فراتر می‌رود و جهت شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی متمرکز می‌گردد. سپس از کدهای مضامین اصلی جهت تحلیل عمیق داده‌ها بهره‌برداری می‌شود. از فراوانی نسبی مضامین می‌توان جهت تطبیق و مقایسه آنها و ایجاد ماتریس مضامین و ترسیم شبکه مضامین در تحلیل مضمون استفاده کرد. (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۴ - ۵۳)

۴-۱. مراحل روش تحلیل مضمون

۴-۱-۱. تحویل متن و استخراج مضامین پایه‌ای

برای شروع کار تحلیل مضامین در اندیشه متفکران لازم است تا مضمون‌های پایه استخراج شود و نخستین مرحله، تحویل متن است. در این مرحله، نقل قول‌های مربوط به شهید مطهری در خصوص موانع عرفی شدن حکومت اسلامی استخراج می‌شود. این مضامین در کدهایی سازمان‌دهی می‌شوند که با عنوان مضامین پایه‌ای شناخته می‌شوند. این مضامین برای شکل‌گیری مضامین فراگیر لازم هستند و اگر روند استخراج کدها و مضامین عام به خوبی انجام نشود، بستر استخراج مضامین فراگیر فراهم نمی‌شود.

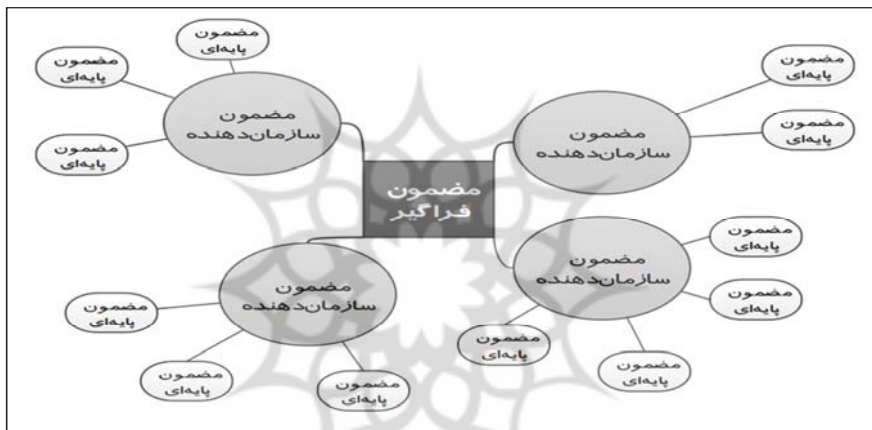
۴-۱-۲. تبدیل مضامین پایه به مضامین فراگیر

در مرحله دوم تحلیل مضمون، مضامین پایه‌ای به مضامین فراگیر تبدیل می‌شوند. در این مرحله، مضمون‌های سازمان‌دهنده از مضامین استخراج شده، از مرحله تحویل متن نیز انتزاع می‌شوند. اقدام اساسی در این مرحله، سازمان‌دهی مجدد مضامین اولیه برای ارائه مضامین انتزاعی‌تر است که فرصت

دستیابی به مضامین اصلی و فراگیر را فراهم می‌آورد. مضامین فراگیر نیز اصلی، مرکزی و جامع‌تر نسبت به مضامین مرحله اول می‌باشد و امکان توصیف شبکه مضامین را فراهم می‌آورد.

۳-۱-۴. کشف و توصیف شبکه مضامین

بعد از استخراج مضامین پایه و فراگیر در مرحله اول و دوم تحلیل مضمون، فضای لازم برای توصیف و تشریح مضامین مربوط به موانع عرفی شدن حکومت اسلامی در اندیشه شهید مطهری فراهم می‌شود. با بررسی مضامین استخراج شده و کدگذاری‌های لازم، شبکه مضامین تشریح و توصیف می‌شود. در انتهای این مرحله، مجموعه مضامین مندرج در جداول تحلیل مضمون به صورت تحلیلی ارائه می‌شود و نمودار شاخص شبکه مضامین ارائه می‌شود.



شکل شماره ۲. ساختار شبکه مضمونی (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۵)

۱. تحویل متن و استخراج مضامین پایه

در این بخش، مضامین پایه و کدهای ابتدایی مربوط به موانع عرفی شدن در اندیشه شهید مطهری در جدول ارائه می‌شود تا بسترهای استخراج مضمون‌های فراگیر در مرحله بعد فراهم شود.

جدول شماره ۱. تحویل متن و استخراج مضامین پایه موانع عرفی شدن

در اندیشه شهید مطهری

ردیف	متن	مضامین پایه
۱	علمای اسلام ثابت کردند که منابع اسلامی اگر مقرون به حسن تشخیص و حسن استنباط باشد، قادر است با یک اجتماع متحول و متکامل پیش برود و آن را راهنمایی کند؛ همچنین ثابت کردند که حقوق اسلامی زنده است و قابلیت دارد تا با مقتضیات ناشی از	حسن تشخیص و حسن استنباط از منابع اسلامی منجر به تشکیل اجتماع متکامل می‌شود.

ردیف	متن	مضامین پایه
	پیشرفت زمان، هماهنگی کند و به احتیاجات هر عصری پاسخ بگوید.	استنباط صحیح از منابع اسلامی عامل پاسخ‌گویی صحیح به مسائل نوین بشری می‌شود.
۲	در قرن اول هجری، اصول و داعیه‌های توحیدی و اسلامی آن‌چنان آشکار و روشن به مردم ابلاغ گردید که تمام مردم متمدن آن روزگار، با جان و وجدان خویش پذیرای آنها شدند و به سرعت یک ملت مشترک یا «بین‌الملل اسلامی» به وجود آمد.	تفرقه و دوری از وحدت مانع ترویج روح توحید در جامعه می‌شود. مفاهیم واقعی اسلام ترویج‌کننده وحدت و اتحاد دینی هستند.
۳	حال ما باید با منطق اسلام خودمان آشنا بشویم. آشنا نبودن ما با منطق اسلام (باعث شده است که) گاهی کتاب‌های آن گروه را می‌خوانیم، تحت‌تأثیر آن گروه واقع می‌شویم (و گاهی برعکس).	شناخت منطق اسلام امری ضروری برای امت اسلامی است. سیره انبیاء نشان می‌دهد که شناخت صحیح اسلام از امور مهم و اساسی در نظام دینی است. شناخت درست و منطقی اسلام مانع ترویج افکار ماتریالیستی در بین جوامع اسلامی می‌شود.
۴	انسان نمی‌تواند بدون داشتن ایده و آرمان و ایمان، زندگی سالم داشته باشد و یا کاری مفید و ثمربخش برای بشریت و تمدن بشری انجام دهد. هیچ‌وقت از لاک منافع فردی خارج نمی‌شود و یا به‌صورت موجودی مردّد و سرگردان می‌شود که تکلیف خویش را در زندگی و در مسائل اخلاقی و اجتماعی نمی‌داند.	ایمان لازمه حیات امت اسلامی است. بدون ایمان نمی‌توان به حیات سعادت‌مندانه ادامه داد. موضع‌گیری صحیح در برابر مسائل اخلاقی و اجتماعی نیازمند ایمان راستین است.

ردیف	متن	مضامین پایه
۵	ایمان واقعیت و حقیقتی است مربوط به روح انسان نه مربوط به بدن انسان که به ریشه این امور - که عبارت است از یک حالت قلبی و فکری و اعتقادی - مربوط است.	ایمان حالتی قلبی، فکری و اعتقادی است که مربوط به حقیقت انسان است.
۶	نیرو گرفتن اسلام به این است که بر ایمان پیروان اسلام افزوده شود و عمل پیروان اسلام با اسلام انطباق پیدا کند و بر عدد پیروان اسلام افزوده شود. تقویت اسلام، به این است که مسلمانان قوی‌تر باشند.	تقویت جایگاه اسلام به ارتقاء ایمان راستین، پیروان بستگی دارد. قوی بودن امت به وسیله ایمان راستین منجر به حراست از اسلام می‌شود.
۷	آن چیزی که بیش از هر چیز حق را محترم، عدالت را مقدس، دل‌ها را به یکدیگر مهربان و اعتماد متقابل را میان افراد برقرار می‌سازد، تقوا و عفاف را تا عمق وجدان آدمی نفوذ می‌دهد، به ارزش‌های اخلاقی اعتبار می‌بخشد و همه افراد را مانند اعضای یک پیکر به هم پیوند می‌دهد و متحد می‌کند، ایمان مذهبی است.	ایمان مذهبی عامل تحقق آرمان‌های دینی و تعالی اجتماع در حوزه‌های مختلف اجتماع می‌شود.
۸	هر ملتی که واقعاً پایبند به این دین باشد، سعادت‌مند خواهد شد.	پایبندی به دین اسلام منجر به پیشرفت و سعادت ملت می‌شود.
۹	مسلمین در هر عصری متناسب با امکانات فکری و عملی خود تحت تأثیر شوق و عشقی که به کتاب آسمانی خود داشتند، درباره قرآن کار کرده‌اند. از قبیل یادگرفتن و به خاطر سپردن، قرائت نزد استادان قرائت و تجوید، تفسیر معانی، توضیح و شرح لغات قرآن در کتب لغت مخصوص این کار، برشمردن آیات و کلمات و حتی حروفی که در مجموع قرآن به کار رفته است.	پایبندی به مضامین و محتوای قرآن باید در مسائل حقوقی، اخلاقی، فلسفی، عرفانی، علمی و... هویدا باشد.
۱۰	اگر دقت کرده باشید این مسئله که جامعه بشری بدون آن که هیچ‌گونه معنویتی داشته باشد قابل بقا نیست، منکر و مخالف ندارد. حتی مکتب‌ها و پیروان مکتب‌هایی که مادی فکر می‌کنند و جهان و جامعه و حرکات آن را مادی تفسیر می‌کنند، اعتراف دارند که جامعه به نوعی از معنویت نیازمند است.	بقای جامعه بشری با معنویت پیوند خورده است. جامعه نیازمند معنویت است و مکاتب مختلف بر آن تأکید دارند.

ردیف	متن	مضامین پایه
۱۱	اقبال احیای فکر دینی، بدون احیای معنویت اسلامی بی‌فایده است.	احیای معنویت از ملزومات جامعه دینی است.
۱۲	یک نهضت خدایی یعنی یک نهضت مذهبی که ضرورتاً باید در آن خلوص، حکم فرما باشد و اگر نوعی ناخالصی، هوا و هوس، طمع، بالخصوص در رهبران، نفوذ پیدا بکند، نهضت مذهبی زود از بین خواهد رفت.	اخلاص از مسائل مهم در نهضت مذهبی است. باید با هوا و هوس در نظام اسلامی مقابله کرد و اخلاص را مدنظر داشت.
۱۳	خود این جامعه و خویشتن اصیل این جامعه و رکن رکین شخصیت این روح جمعی، اسلام و فرهنگ اسلامی است. نخستین کار لازمی که مصلحان باید انجام دهند، بازگرداندن ایمان و اعتقاد این جامعه به «خود» واقعی او یعنی فرهنگ و معنویت اسلامی است و این است فلسفه خودی.	شناخت خود لازمه تعالی فردی و جمعی است. مصلحان اجتماعی باید مترصد تقویت خودشناسی باشند.
۱۴	عنصر دیگری که در روح مردم ما پدید آمد و بذر دیگری که کاشته شد و موجب انقلاب روحی و تغییر بنیادی در آنها شد - که این دومی را بالخصوص می‌توانم بگویم که شاید به‌طور انحصار از سید جمال شروع شد - عنصر و بذر احساس شخصیت بود. به مردم ما احساس شخصیت دادند یعنی خودباختگی را از مردم ما گرفتند.	دوری از خودباختگی و رجوع به من حقیقی و خود واقعی انسان، عامل تعالی فرد و اجتماع است.
۱۵	اسلام عنایت خاص دارد که انسان خود را بشناسد و جا و موقع خویشتن را در جهان آفرینش تشخیص دهد. این همه تأکید در قرآن در مورد انسان برای این است که انسان خویشتن را آن چنان که هست، بشناسد.	درک و فهم خویشتن از تأکیدات اسلام است. قرآن کریم توصیه دارد که افراد باید خود را بشناسند.
۱۶	اسلام نخستین و اسلام راستین، بدعت‌ها را از میان بردن و سنت‌های اصیل را جایگزین کردن است؛ یعنی اصلاحی در فکرها و اندیشه‌ها و تحولی در روح‌ها و ضمیرها و قضاوت‌ها در زمینه خود اسلام.	آگاهی و بصیرت نسبت به اسلام راستین امری ضروری است.
۱۷	او برای مبارزه با این دو عامل فلج‌کننده (استبداد و استعمار)، آگاهی سیاسی و شرکت فعالانه مسلمانان را در سیاست واجب و لازم شمرد و برای تحصیل مجد و عظمت از دست رفته مسلمانان	آگاهی سیاسی مسلمین و مشارکت از روی دانش و معرفت در اسلام امری لازم

ردیف	متن	مضامین پایه
	و به دست آوردن مقامی در جهان که شایسته آن هستند، بازگشت به اسلام نخستین و در حقیقت حلول مجدد روح اسلام واقعی را در کالبد نیمه مرده مسلمانان، فوری و حیاتی می‌دانست... مردی بود طرفدار بازگشت به اسلام نخستین، به قرآن و سنت و سیره سلف صالح به قول خودش و مبارزه با خرافاتی که به اسلام در طول تاریخ بسته شده است.	است. بازگشت به اسلام راستین رمز مقابله با ضعف‌ها و تهدیدات است. مبارزه با خرافات و بازگشت به آموزه‌های وحیانی مورد تأکید اندیشمندان اسلامی است.
۱۸	امر به معروف و نهی از منکر یعنی تو باید برای طرد، نفی و انکار این وضع جهت برقرار ساختن وضع مطلوب و ایدئال کوشش کنی.	امر به معروف و نهی از منکر منجر به خروج از وضعیت نامطلوب می‌شود.
۱۹	امر به معروف و نهی از منکر همین است که ای انسان! تو تنها از نظر شخصی و فردی در برابر ذات پروردگار مسئول و متعهد نیستی، تو در مقابل اجتماع خود هم مسئولیت و تعهد داری.	امر به معروف و نهی از منکر یک اصل اجتماعی است. امر به معروف برآمده از مسئولیت و تعهد فردی و جمعی در اسلام است. امر به معروف و نهی از منکر منجر به توجه جامعه نسبت به کاستی‌ها می‌شود.
۲۰	امر به معروف و نهی از منکر برای این است که محیط باید اصلاح بشود و تا محیط یعنی جامعه و روح اجتماعی اصلاح نشود، فرد توفیق صد درصد پیدا نمی‌کند.	اصلاح نظام سیاسی و اجتماعی وابسته به امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف منجر به اصلاح محیط جمعی و روح اجتماع می‌شود.
۲۱	یکی از دستورها و مقررات اسلامی که شامل همه مسلمانان است، مسئله لزوم تعظیم شعائر اسلامی، یعنی بزرگ شمردن شعارهای اسلامی است.	لزوم تعظیم شعائر دینی مورد تأکید آموزه‌های اسلام است.

ردیف	متن	مضامین پایه
۲۲	ما اگر این شعارها را حفظ کنیم، می‌توانیم روح اسلامی خودمان را در شعائر اسلامی و روح ملی خودمان را در شعائر ملی حفظ کنیم.	روحیه اسلامی با حفظ شعارهای دینی حفظ می‌شود. جامعه باید حامی شعائر دینی باشد.
۲۳	حوزه‌های علمی ما باید از محدودیت‌های مصنوعی که خود برای خود به وجود آورده‌اند، خارج گردند و کالاهای فرهنگی خود را در زمینه‌های مختلف معنوی، فلسفی و اخلاقی، حقوقی، روانی، اجتماعی، تاریخی باکمال افتخار و سربلندی به جهان دانش عرضه نمایند.	حوزه علمی باید فراتر از محدودیت‌ها، در فعالیت‌های مدنی شرکت کند و از انزوا خارج شود. حوزه‌های علمی باید محصولات و کالاهای خود را به جامعه ارائه دهد.
۲۴	نهضت اسلامی ایران مفتخر است که در حال حاضر رهبری آن را مراجعی آگاه و شجاع و مبارز برعهده گرفته‌اند که نیازهای زمان را تشخیص می‌دهند، با مردم همدردند، سودای اعتلای اسلام دارند، یأس و نومیدی و ترس را که از جنود ابلیس است به خود راه نمی‌دهند.	حوزه‌های علمی و مراجع عظام، نقش مهمی در ترویج نهضت اسلام و فرهنگ دینی دارند.
۲۵	واضح است که توجه و بی‌توجهی قشری که مسئولیت هدایت و رهبری و رعایت و پاسداری جامعه خود را دارند، از نظر آگاهی به اوضاع، اهمیت فوق‌العاده بیشتری دارد.	بی‌توجهی نیروهای دینی و مذهبی منجر به فراموشی و ارزش‌های اجتماعی آن خواهد بود.
۲۶	حوزه‌های علمی و محیط‌های روحانی ما مسئول پاسداری ایمان جامعه اسلامی و دفاع از اصول و فروع دین مقدس اسلام از دیدگاه مذهب شیعه و تعلیم و تبلیغ آنها و عهده‌دار پاسخ‌گویی به نیازهای مذهبی مردم مسلمان‌اند.	حوزه‌های علمی مسئله مسئول پاسداری جامعه هستند. حوزه‌ها باید مترصد پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات جدید بشریت باشند. حوزه‌های علمی عامل ارتقاء ایمان جامعه اسلامی هستند.
۲۷	عدالت یعنی حسن روابط اجتماعی، و ظلم، گسیختگی روابط اجتماعی است. حال اگر یک ملتی مسلمان و با ایمان باشند،	عدالت مورد تأکید اسلام است.

ردیف	متن	مضامین پایه
	<p>خداشناس به قول خودشان باشند. خودشان را ملت قرآن حساب کنند و فریاد «اشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «اشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» و «اشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ» آنها به آسمان بلند باشد، اما آن اصلی که قرآن می‌گوید: «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» اصلاً در میانشان برقرار نباشد و وقتی روابط اجتماعی آنها را می‌بینید سراسر فساد و دروغ و تهمت و فحشا و ظلم و ستم است، قرآن نه تنها مدعی نیست که چنین ملتی قابل بقاست بلکه مدعی است که اینها قابل بقا نیستند و همه اینها از آن اصل ریشه می‌گیرد که هر فردی و هر ملتی اگر از راهی بروند، به مقصدی که در نهایت آن راه قرار گرفته است، می‌رسند ولی اگر به راهی نروند، انتظار رسیدن به مقصد آن راه را هم نباید داشته باشند.</p>	<p>قرآن مسلمانان را توصیه به روابط اجتماعی عادلانه می‌نماید.</p> <p>بدون عدالت نمی‌توان به مقاصد الهی دست یافت.</p>
۲۸	<p>این است که آینده ما جز این که بر پایه همان عدالت اسلامی و ارزش‌های اسلامی باشد، قابل بقا نیست.</p>	<p>آینده نظام اسلامی در گروهی نهادینه‌سازی عدالت است.</p>
۲۹	<p>اگر یک جامعه عادل و متعادل باشد، قابل بقا هست، هرچند مردمش کافر باشند؛ اگر ظلم و اجحاف در نتیجه تفاوت‌ها و پستی و بلندی‌ها و ناهمواری‌ها در جامعه‌ای پیدا شد، آن جامعه باقی نمی‌ماند، هرچند مردمش به‌حسب عقیده مسلمان باشند.</p>	<p>بقای نظام اسلامی نیازمند عدل و انصاف است.</p> <p>مشکلات نظام اسلامی از طریق عدل، مرتفع خواهد شد.</p>
۳۰	<p>علمای امت که در اسلام وظایف بسیار سنگینی به عهده‌شان گذاشته شده، باید این پیچ و لولاها را گردش دهند و به حرکت درآورند. آنها هستند که باید بفهمند واجب کفایی در چیست و آنها هستند که باید خصوصیات زمان خودشان را تشخیص بدهند و بعد بگویند آن واجب کفایی اسلام، در این زمان با وسایل انجام می‌شود و در زمان دیگر با وسایل دیگر، اینها را به‌حسب زمان‌ها تشخیص بدهند. پس معلوم می‌شود که اجتهاد و عقل نقشی بسیار اساسی در این مسائل دارند.</p>	<p>علمای امت خواهان استعانت از عقل و اجتهاد برای حل مشکلات مردم هستند.</p>
۳۱	<p>زیرا قدر مسلم این است که هرگونه صلاح و اصلاحی در کار مسلمین رخ دهد یا باید مستقیماً به‌وسیله این سازمان که سیمت رسمی رهبری دینی مسلمین را دارد صورت بگیرد، یا لااقل این</p>	<p>ترقی جهان اسلام نیازمند همراهی و ارتباط روحانیت و مردم است.</p>

ردیف	متن	مضامین پایه
	سازمان با آن هماهنگی داشته باشد.	اصلاح نظام اسلامی در گروهی ارتباط نهاد دین با مردم است.
۳۲	اولاً باید علم و اطلاعش به مبانی دین کافی باشد، باید اسلام را کاملاً بشناسد، به روح تعلیمات اسلامی آگاه باشد. ثانیاً تنها دانستن و شناختن دین برای مصلحت‌گویی کافی نیست؛ جامعه را باید بشناسد.	شناخت صحیح اسلام و آگاهی از مختصات آن لازمه نظام دینی است. شناخت و آگاهی از مسائل اجتماعی و دینی، امری لازم برای اجتماع اسلامی است.
۳۳	تا آن تفکر صحیح را به دست نیاوریم، خود ما که مسلمانیم از مسلمانی خود نتیجه نمی‌گیریم.	فکر دینی باید در جامعه نهادینه شود.
۳۴	احیاء تفکر اسلامی به این معنی است که اصول فکری اسلام را درباره جهان، انسان، اجتماع احیا کنیم.	وظیفه مسئولان کشورهای اسلامی، احیاء تفکر اسلامی است.
۳۵	این است که معتقد می‌شود به تجدید حیات اسلامی که حیات اسلامی را باید تجدید کرد و امکان تجدیدش هست؛ چون اسلام نمرده است، مسلمین مرده‌اند.	بخش مهمی از مشکلات جهان اسلام ناشی از طرز تفکر مسلمین است که باید اصلاح شود.
۳۶	درد معنویت بشر را سلب مالکیت به تنهایی کفایت نمی‌کند. عدالت اجتماعی لازم است نه سلب مالکیت، زیرا اگر در جامعه‌ای عدالت اجتماعی برقرار نباشد، پایه معنویت هم متزلزل خواهد بود. منطق اسلام این است که معنویت را با عدالت توأم با یکدیگر می‌باید در جامعه برقرار کرد.	برای مانایی نظام سیاسی اسلام، عدالت توأم با معنویت لازم است. پیوند عدالت و معنویت منجر به استقرار نظام اجتماعی خواهد شد که به دور از ناراحتی و مشکلات است.
۳۷	در جامعه خودمان اگر به گفته‌ها و نوشته‌های پنجاه سال پیش نگاه کنیم، می‌بینیم که درباره معنویت زیاد سخن گفته‌اند، اما درباره	عدالت بدون معنویت معنایی ندارد.

ردیف	متن	مضامین پایه
	عدالت یا سخن نگفته‌اند و یا بسیار کم گفته‌اند. حالا که تحول پیداشده، درباره عدالت سخن گفته می‌شود ولی گویا مد شده که درباره معنویت زیاد سخن گفته نشود.	دوری از معنویت منجر به بی‌معنایی عدالت می‌شود.
۳۸	کار اساسی این است که مردم ایمان پیدا کنند که مبارزه سیاسی یک وظیفه شرعی و مذهبی است. تنها در این صورت است که تا رسیدن به هدف از پای نخواهند نشست. مردم در غفلت‌اند که از نظر اسلام، سیاست از دین و دین از سیاست جدا نیست. پس همبستگی دین و سیاست را باید به مردم تفهیم کرد.	دین از سیاست جدا نیست. همبستگی و پیوند عمیق بین دیانت و سیاست برقرار است. غفلت مردم از سیاسی بودن دین یک تهدید است. فعالیت سیاسی یک وظیفه شرعی برای مذهب‌یون است.
۳۹	روحانیت نه به‌طور مجموعه و دستگاه روحانیت باید وابسته به دولت بشود و نه افرادی از روحانیون بیایند پست‌های دولتی را به‌جای دیگران اشغال کنند، بلکه روحانیت باید همان پست خودش را که ارشاد و هدایت و نظارت و مبارزه با انحرافات حکومت‌ها و دولت‌هاست، حفظ بکند.	روحانیت نباید به دولت وابسته باشند. روحانیت باید مترصد اشتغال در مناصب دولتی باشد. رسالت روحانیت نیز ارشاد و هدایت و مبارزه برای استقرار نظام اسلامی است.
۴۰	پرورش عقل و فکر و کسب استقلال فکری و مبارزه با اموری که بر ضد استقلال عقل است، مورد عنایت شدید اسلام است.	استقلال فکری، از دستورات اسلام در برابر مشکلات است.
۴۱	اسلام برای عقل به‌عنوان یک امری که در همه حال مناط تکلیف انسان است و برای وجدان انسانی، استقلال قائل است.	عقل امری حائز اهمیت در اسلام برای پیشبرد امور است.
۴۲	برای یک فرد انسان یا یک ملت، شایسته نیست که کورکورانه از شخص یا ملتی تقلید کند. فرد یا ملتی که فاقد شخصیت عقلی و استقلال فکری باشد، سزاوار نام شریف انسانیت نیست.	حفظ شخصیت عقلی و استقلال فکری امری شایسته است.
۴۳	اسلام جامعه‌ای می‌خواهد، عزیز و مستقل و متکی به خود. اسلام نمی‌پسندد که یک ملت مسلمان، زیردست و توسری‌خور یک ملت غیرمسلمان بوده باشد. اسلام نمی‌پسندد که جامعه اسلامی استقلال اقتصادی یا اجتماعی نداشته باشد.	کسب استقلال، عزت و شکوفایی، نیازمند تعالی فکری و استقلال در عرصه فکر و دانش است.

ردیف	متن	مضامین پایه
۴۴	عمده این است که این نهضت توانست یک موفقیت بسیار بزرگ کسب کند و آن این است که خودباختگی در مقابل غرب به معنای اعم (یعنی بلوک غرب و بلوک شرق) را از ملت ما می‌گیرد و به ملت ما می‌گوید تو خودت یک مکتب و یک فکر مستقل داری، از نظر علمای جامعه‌شناسی این مطلب ثابت شده که همین طور که یک فرد روح دارد یک جامعه هم روح دارد، هر جامعه‌ای که دارای فرهنگی هست، فرهنگ آن جامعه روح آن جامعه را واقعاً تشکیل می‌دهد و اگر در نهضتی کسی بتواند روی آن روح جمعی انگشت بگذارد و آن روح را زنده کند، تمام اندام جامعه را یکجا به حرکت درمی‌آورد.	خودباختگی آفت نهضت دینی است و فکر مستقل راهبرد مکتب اسلام برای تعالی فرد و جامعه است.
۴۵	یکی از هدف‌های اسلام که از مسلمین تأمین آن را خواسته است، اتحاد و اتفاق مسلمین است.	اتحاد و اتفاق مسلمین هدف اسلام است.
۴۶	ببینید احساس مسئولیت در نزد خدا برای مردم دیگر در چه حد است!... جمله «إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا» معنایش این است که ما خود را مسئول شما مساکین و شما یتیم‌ها و شما اسیرها می‌دانیم، ما از خدای خود به خاطر این مسئولیتی که درباره شما داریم، می‌ترسیم.	احساس مسئولیت، لازمه پذیرش مناصب در نظام دینی است.
۴۷	هرجا مردمی واقعاً اسلام را بپذیرند و به دستورات اسلام عمل بکنند، همین خاصیت رشد و تزايد و تکامل و استقلال و روی پای خود ایستادن و دیگران را به حیرت و تعجب واداشتن را دارند.	عمل به دستورات و تکالیف دینی عامل تکامل و استقلال نظام اسلامی خواهد بود. رشد و ترقی اجتماع به عمل امت اسلامی نسبت به فرامین الهی بستگی دارد.
۴۸	دنیا را می‌بینند که روبه پیشرفت است، علمای دنیا را می‌بینند، قدرت‌های اقتصادی دنیا را می‌بینند، قدرت‌های سیاسی و نظامی دنیا را می‌بینند؛ دموکراسی‌های دنیا را می‌بینند، برابری‌ها را می‌بینند، حرکت‌ها را می‌بینند، جوان است، احساسش عالی است، و حق هم دارد، می‌گوید ما چرا باید عقب مانده‌تر باشیم؟ نسل قدیم سنگینی بار تسلط‌های خارجی را روی دوش خود احساس نمی‌کرد،	حس تکلیف و فکر در مورد تکالیف مدنی در افراد، یکی از بایسته‌های نظام اسلامی است.

ردیف	متن	مضامین پایه
	و نسل جدید احساس می‌کند. آیا این گناه است؟ خیر، گناه نیست بلکه خود این احساس یک پیام الهی است. اگر این احساس نبود معلوم می‌شد ما محکوم به عذاب و بدبختی هستیم. حالا که این احساس پیدا شده، نشانه این است که خداوند تبارک و تعالی می‌خواهد ما را از این بدبختی نجات بدهد.	
۴۹	یکی از خاصیت‌های بزرگ دین مقدس اسلام، اعتدال و میانه‌روی است. امت و قوم و جمعیتی که واقعاً و حقیقتاً دست‌پرورده قرآن کریم باشند، از افراط و تفریط، از کندروی و تندروی، از چپ‌روی و راست‌روی، از همه اینها برکنارند.	از تأکیدات آموزه‌های اسلامی، اعتدال و میانه‌روی است. دوری از افراط و تفریط، تأکید قرآن کریم است.
۵۰	یکی از علامت‌های مسلمانی، پیدا کردن راه معتدل و میانه است که میان راه‌های افراطی و تفریطی، میان تندروی‌ها و کندروی‌ها است.	میانه‌روی و اعتدال لازمه حیات اسلامی است.

۲. تبدیل مضامین اولیه به مضامین فراگیر

در این بخش، کدهای عام و مضامین پایه که از متون شهید مطهری استخراج شدند، به مضامین فراگیر و سازمان‌دهی تبدیل می‌شوند تا بستر توصیف شبکه مضامین فراهم شود.

جدول شماره ۲. تبدیل مضامین پایه به مضامین فراگیر

شماره	متن	مضامین فراگیر
۱	باید نگرش‌ها را نسبت به دین تغییر داد و اسلام ناب را درک کرد.	اصلاح نگرش نسبت به اسلام
۲	تصحیح تصاویر و برداشت‌ها از اسلام امری ضروری است.	
۳	باید از طریق روش‌های صحیح به اسلام رجوع کرد.	
۴	غرب از اسلام هراس دارد و فرد مسلمان باید از هویت حقیقی دینی خود نسبت به هویت‌های دیگر حراست نماید.	
۵	شناخت صحیح ایدئولوژی اسلام عامل کشف حقایق بشری و معرفت نسبت به اسلام است.	
۶	افراد باید از تحجر و اندیشه‌های انحرافی دوری نمایند.	پرهیز از تحجرگرایی
۷	اسلام به وجوه مختلف زندگی انسان برای تکامل توجه دارد.	ترویج نگرش چندبعدی به اسلام
۸	زیست اجتماعی انسان نیازمند ترویج نگاه چندبعدی به دین اسلام برای پیمودن صحیح راه تمدن‌سازی است.	

مضامین فراگیر	متن	شماره
	انقلاب‌های دینی برای تعالی نیازمند توجه به وجوه مختلف دین برای تعالی هستند.	۹
	اسلام صرفاً مربوط به یک طبقه گروه یا جنسیت خاص نیست بلکه امری جامع و دارای شمولیت است و به همین دلیل، دینی چندبعدی و برای نیازها و شرایط مختلف است.	۱۰
	اسلام یک دین صرفاً معنوی نیست بلکه ابعاد مختلفی دارد و ضمن توجه به انقلاب معنوی، مترصد انقلاب سیاسی و اجتماعی در جهان اسلام است.	۱۱
	باید از تحریف و بدعت در دین جلوگیری کرد.	۱۲
جلوگیری از تحریف و بدعت	رسالت انبیاء، حفظ دین و جلوگیری از بدعت‌های خرافی بوده است.	۱۳
	تحریف در دین منجر به انحرافات بزرگ در جامعه خواهد شد.	۱۴
	سعادت جامعه دینی به عدم تحریف تعلیمات اسلام بستگی دارد.	۱۵
حسن تشخیص و استنباط احکام	حسن تشخیص و حسن استنباط از منابع اسلامی منجر به تشکیل اجتماع متکامل می‌شود.	۱۶
	استنباط صحیح از منابع اسلامی عامل پاسخ‌گویی صحیحی به مسائل نوین بشری می‌شود.	۱۷
روحیه توحیدی در وحدت دینی	تفرقه و دوری از وحدت، مانع ترویج روح توحید در جامعه می‌شود.	۱۸
	مفاهیم واقعی اسلام ترویج‌کننده وحدت و اتحاد دینی هستند.	۱۹
شناخت صحیح اسلام	شناخت منطق اسلام امری ضروری برای امت اسلامی است.	۲۰
	سیره انبیاء نشان می‌دهد که شناخت صحیح اسلام، از امور مهم و اساسی در نظام دینی است.	۲۱
	شناخت درست و منطقی اسلام مانع ترویج افکار ماتریالیستی در بین جوامع اسلامی می‌شود.	۲۲
ایمان راستین	ایمان لازمه حیات امت اسلامی است.	۲۳
	بدون ایمان نمی‌توان به حیات سعادت‌مندانه ادامه داد.	۲۴
	موضع‌گیری صحیح در برابر مسائل اخلاقی و اجتماعی نیازمند ایمان راستین است.	۲۵
	ایمان حالتی قلبی، فکری و اعتقادی است که مربوط به حقیقت انسان است.	۲۶

مضامین فراگیر	متن	شماره
	تقویت جایگاه اسلام به ارتقاء ایمان راستین پیروان بستگی دارد.	۲۷
	قوی بودن امت به وسیله ایمان راستین، منجر به حراست از اسلام می‌شود.	۲۸
	ایمان مذهبی، عامل تحقق آرمان‌های دینی و تعالی اجتماع در حوزه‌های مختلف اجتماع می‌شود.	۲۹
	پایبندی به دین اسلام منجر به پیشرفت و سعادت ملت می‌شود.	۳۰
	پایبندی به مضامین و محتوای قرآن باید در مسائل حقوقی، اخلاقی، فلسفی، عرفانی، علمی و... هویدا باشد.	۳۱
	بقای جامعه بشری با معنویت پیوند خورده است.	۳۲
معنویت‌گرایی	جامعه نیازمند معنویت است و مکاتب مختلف بر آن تأکید دارند.	۳۳
	احیای معنویت از ملزومات جامعه دینی است.	۳۴
اخلاص در امور	اخلاص از مسائل مهم در نهضت مذهبی است.	۳۵
	باید با هوا و هوس در نظام اسلامی مقابله کرد و اخلاص را مدنظر داشت.	۳۶
خودشناسی	شناخت خود لازمه تعالی فردی و جمعی است.	۳۷
	مصلحان اجتماعی باید مترصد تقویت خودشناسی باشند.	۳۸
	دوری از خودباختگی و رجوع به من حقیقی و خود واقعی انسان، عامل تعالی فرد و اجتماع است.	۳۹
	درک و فهم خویشتن از تأکیدات اسلام است.	۴۰
	قرآن کریم توصیه دارد که افراد باید خود را بشناسند.	۴۱
	شناخت حقیقت وجودی توسط هر فرد مسلمانی مورد تأکید دین است.	۴۲
آگاهی، بصیرت و بازگشت به خویشتن	آگاهی و بصیرت نسبت به اسلام راستین، امری ضروری است.	۴۳
	آگاهی سیاسی مسلمین و مشارکت از روی دانش و معرفت در اسلام، امری لازم است.	۴۴
	بازگشت به اسلام راستین رمز مقابله با ضعف‌ها و تهدیدات است.	۴۵
	مبارزه با خرافات و بازگشت به آموزه‌های وحیانی مورد تأکید اندیشمندان اسلامی است.	۴۶

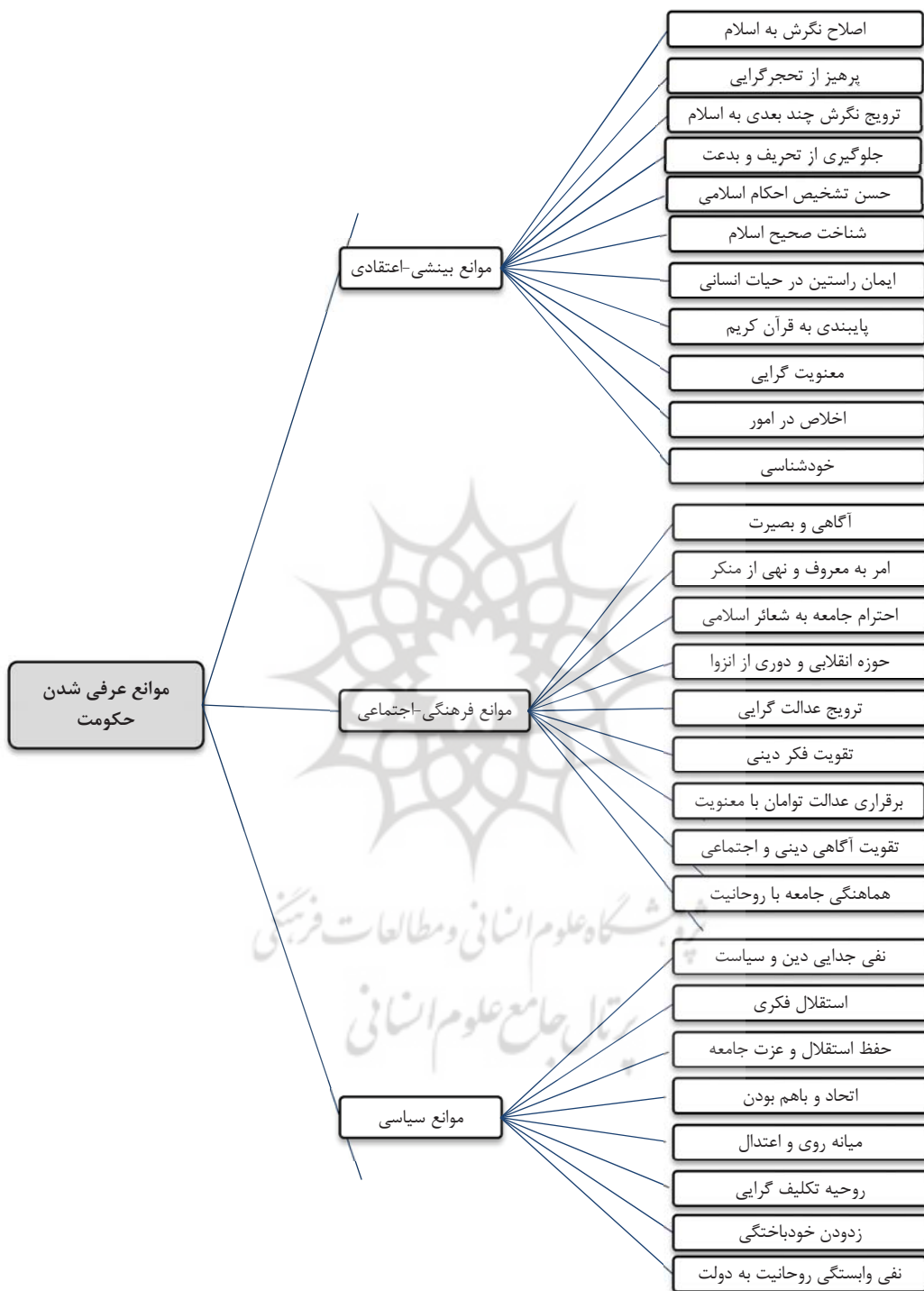
مضامین فراگیر	متن	شماره
امربه‌معروف و نهی از منکر	امربه‌معروف و نهی از منکر منجر به خروج از وضعیت نامطلوب می‌شود.	۴۷
	امربه‌معروف و نهی از منکر یک اصل اجتماعی است.	۴۸
	امربه‌معروف برآمده از مسئولیت و تعهد فردی و جمعی در اسلام است.	۴۹
	امربه‌معروف و نهی از منکر منجر به توجه جامعه نسبت به کاستی‌ها می‌شود.	۵۰
	اصلاح نظام سیاسی و اجتماعی وابسته به امربه‌معروف و نهی از منکر است.	۵۱
	امربه‌معروف منجر به اصلاح محیط جمعی و روح اجتماع می‌شود.	۵۲
احترام جامعه به شعائر اسلامی	لزوم تعظیم شعائر دینی مورد تأکید آموزه‌های اسلام است.	۵۳
	روحیه اسلامی با حفظ شعارهای دینی حفظ می‌شود.	۵۴
	رجوع به شعارهای غیردینی منجر به دوری از جریان اسلام ناب می‌شود.	۵۵
	جامعه باید حامی شعائر دینی باشد.	۵۶
حوزه انقلابی و دور شدن از انزوا	حوزه علمیه باید فراتر از محدودیت‌ها، در فعالیتهای مدنی شرکت کند و از انزوا خارج شود.	۵۷
	حوزه‌های علمیه باید محصولات و کالاهای خود را به جامعه ارائه دهند.	۵۸
	حوزه‌های علمیه و مراجع عظام نقش مهمی در ترویج نهضت اسلام و فرهنگ دینی دارند.	۵۹
	بی‌توجهی نیروهای دینی و مذهبی منجر به فراموشی و ارزش‌های اجتماعی آن خواهد بود.	۶۰
	حوزه‌های علمیه مسئول پاسداری جامعه هستند.	۶۱
	حوزه‌ها باید مترصد پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات جدید بشریت باشند.	۶۲
	حوزه‌های علمیه عامل ارتقاء ایمان جامعه اسلامی هستند.	۶۳
	عدالت مورد تأکید اسلام است.	۶۴
ترویج عدالت‌گرایی	قرآن مسلمانان را توصیه به روابط اجتماعی عادلانه می‌نماید.	۶۵
	بدون عدالت نمی‌توان به مقاصد الهی دست یافت.	۶۶
	آینده نظام اسلامی در گروی نهادینه‌سازی عدالت است.	۶۷
	بقای نظام اسلامی نیازمند عدل و انصاف است.	۶۸
	مشکلات نظام اسلامی از طریق عدل مرتفع خواهد شد.	۶۹

مضامین فراگیر	متن	شماره
هماهنگی جامعه اسلامی با روحانیت	حوزه‌های علمیه و روحانیت با اجتماع باید در ارتباط باشند و لازم است با مردم هماهنگی داشته باشند.	۷۰
	علمای امت خواهان استعانت از عقل و اجتهاد برای حل مشکلات مردم هستند.	۷۱
	ترقی جهان اسلام نیازمند همراهی و ارتباط روحانیت و مردم است.	۷۲
	اصلاح نظام اسلامی درگروی ارتباط نهاد دین با مردم است.	۷۳
ارتقاء آگاهی اجتماعی و دینی	شناخت صحیح اسلام و آگاهی از مختصات آن لازمه نظام دینی است.	۷۴
	شناخت و آگاهی از مسائل اجتماعی و دینی امری لازم برای اجتماع اسلامی است.	۷۵
	فکر دینی باید در جامعه نهادینه شود.	۷۶
	وظیفه مسئولان کشورهای اسلامی، احیاء تفکر اسلامی است.	۷۷
	بخش مهمی از مشکلات جهان اسلام ناشی از طرز تفکر مسلمین است که باید اصلاح شود.	۷۸
توأماتی عدالت و معنویت	برای مانایی نظام سیاسی اسلام، عدالت توأمان با معنویت لازم است.	۷۹
	پیوند عدالت و معنویت منجر به استقرار نظام اجتماعی خواهد شد که به دور از ناراحتی و مشکلات است.	۸۰
	عدالت بدون معنویت معنایی ندارد.	۸۱
	دوری از معنویت منجر به بی‌معنایی عدالت می‌شود.	۸۲
ترویج ایده عدم جدایی دین از سیاست	دین از سیاست جدا نیست.	۸۳
	همبستگی و پیوند عمیقی بین دینت و سیاست برقرار است.	۸۴
	غفلت مردم از سیاسی بودن دین یک تهدید است.	۸۵
جلوگیری از وابستگی روحانیت به دولت	فعالیت سیاسی یک وظیفه شرعی برای مذهب‌یون است.	۸۶
	روحانیت نباید به دولت وابسته باشند.	۸۷
استقلال فکری	رسالت روحانیت نیز ارشاد و هدایت و مبارزه برای استقرار نظام اسلامی است و باید برای آن ارزش زیادی قائل باشد.	۸۸
	استقلال فکری از دستورات اسلام در برابر مشکلات است.	۸۹
	عقل امری حائز اهمیت در اسلام برای پیشبرد امور است.	۹۰
	حفظ شخصیت عقلی و استقلال فکری امری شایسته است.	۹۱

شماره	متن	مضامین فراگیر
۹۲	کسب استقلال، عزت و شکوفایی نیازمند تعالی فکری و استقلال در عرصه فکر و دانش است.	
۹۳	خودباختگی آفت نهضت دینی است و فکر مستقل، راهبرد مکتب اسلام برای تعالی فرد و جامعه است.	
۹۴	مسئولیت امری خطیر و مهم در نظام اجتماعی است که باید مورد توجه قرار بگیرد.	
۹۵	احساس مسئولیت لازمه پذیرش مناصب در نظام دینی است.	عمل به دستورات الهی در نظام سیاسی و اجتماعی
۹۶	عمل به دستورات و تکالیف دینی عامل تکامل و استقلال نظام اسلامی خواهد بود.	
۹۷	رشد و ترقی اجتماع به عمل امت اسلامی نسبت به فرامین الهی بستگی دارد.	
۹۸	حس تکلیف و فکر در مورد تکالیف مدنی در افراد یکی از بایسته‌های نظام اسلامی است.	روحیه تکلیف‌گرایی
۹۹	از تأکیدات آموزه‌های اسلامی، اعتدال و میانه‌روی است.	میانه‌روی و اعتدال
۱۰۰	دوری از افراط و تفریط، تأکید قرآن کریم است.	
۱۰۱	میانه‌روی و اعتدال لازمه حیات اسلامی است.	

۳. کشف و توصیف شبکه مضامین

در این بخش، ضمن ارائه شبکه مضامین موانع عرفی شدن در اندیشه شهید مطهری، کدهای مستخرج از متون ایشان مورد بررسی قرار خواهند گرفت. این شبکه مضامین موانع عرفی شدن نظام سیاسی را در سه مؤلفه می‌توان بررسی کرد که شامل موانع در ابعاد بینشی اعتقادی، فرهنگی اجتماعی و سیاسی است. در بعد بینشی شهید مطهری به مواردی مانند اصلاح نگرش نسبت به اسلام و معرفت صحیح نسبت به مبانی دینی و دوری از تحجرگرایی اشاره کرد؛ یعنی اگر امت اسلامی تابع موارد ذیل باشند، می‌توانند مصونیت پیدا کنند. در باب بعد فرهنگی - اجتماعی به عنوان موانع عرفی شدن، شهید مطهری به مواردی چون آگاهی و بصیرت، حوزه انقلابی، امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد که در منظر شهید، اگر در بعد فرهنگی به این موارد توجه شود، جامعه اسلامی صیانت می‌گردد. در بعد سیاسی نیز شهید مطهری جهت دوری از جدایی دین از سیاست به مواردی مانند استقلال فکری، خودباوری و دوری از خودباختگی، اعتدال و مواردی از این قبیل توجه داشتند.



نمودار ۱. شبکه مضامین موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اندیشه شهید مطهری

نتیجه

حکومت اسلامی بر مبنای ارزش‌های اسلامی شکل گرفته و استمرار پیدا می‌کند. تثبیت و استمرار حکومت اسلامی نیازمند حضور دائم و فعال ارزش‌های دینی است. در مواردی ارزش‌های اسلامی دچار استحاله می‌شوند و به دلیل تفسیرهای غلط یا انحراف ایجادشده، در انزوا قرار می‌گیرند که در پی آن هرج‌ومرج فکری و عملی در جامعه ایجاد می‌گردد که نتیجه نهایی آن می‌تواند حضور فعال ارزش‌های غیردینی و حتی ضددینی باشد که تحت‌عنوان عوامل عرفی شدن نظام سیاسی تعریف می‌گردد. در این مقاله تلاش شد تا به این سؤال پاسخ داده شود که موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اندیشه شهید مطهری چیست؟ به عبارتی با چه ابزارهای نهفته در ذات اسلام می‌توان از عرفی شدن نظام دینی اجتناب کرد. این مسئله در سه محور اسلام و رفتار مسلمین و نفوذ استعمار قابلیت پردازش دارد و آنچه از بررسی‌ها از آثار مکتوب شهید مطهری با استفاده از روش تحلیل مضمون به دست می‌آید، بر این مبحث علمی استوار است که در ذات اسلام نقصی قابل تصور نیست و آنچه باعث دین‌گریزی و عرفی شدن نظام سیاسی را سبب می‌شود، ناشی از رفتار و عملکرد امت اسلامی است و با نقض مبانی اسلامی در رفتار مسلمین، نظام استعماری نیز از این فرصت ایجادشده بهره‌برداری می‌کند و بر پیکر اسلام، عرفی شدن را تحمیل می‌کند. در پژوهش حاضر تلاش شد تا با استناد بر آثار مکتوب شهید مطهری، به عوامل بینشی - اعتقادی، فرهنگی - اجتماعی و سیاسی به‌عنوان عوامل و زمینه‌های دور شدن جامعه اسلامی از عرفی شدن پرداخته شود. حاصل پژوهش این‌که اصلاح نگرش نسبت به دین اسلام، خودباوری، نگرش چندبعدی به اسلام، استقلال سیاسی، معرفت منطقی به اسلام و اخلاص در کارها و امر به معروف و نهی از منکر و مانند آنها حکایت از این دارند که موانع عرفی شدن نظام سیاسی از نگاه شهید مطهری در سه بعد: ۱. بینشی اعتقادی ۲. فرهنگی و اجتماعی ۳. سیاسی ریشه دارد که در صورت توجه جامعه اسلامی صیانت پیدا می‌کند. به عبارتی در صورتی که امت اسلامی بر سه عامل فوق توجه کنند و تئوری و عملکرد خود را براساس مسائل بینشی - اعتقادی، فرهنگی - اجتماعی و سیاسی منطبق بر مبانی اسلام انتخاب کنند، جهان اسلام دچار تلاطم فکری و عملی نخواهد شد و عرفی شدن نظام سیاسی در جامعه اسلامی رخنه نخواهد کرد.

منابع و مأخذ

۱. بخت‌آزمای بناب، محمد و منتظر خراسان، حجت، ۱۳۹۶، «بررسی روش تحلیل مضمون در تحقیقات با رویکرد کیفی»، *سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و مهندسی صنایع*.

۲۳۰ □ فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۸، زمستان ۱۴۰۰، ش ۶۷

۲. درخشه، جلال و همکاران، ۱۳۹۴، «تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت الله خامنه‌ای»، *فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر*، دوره ۶، ش ۱۷، ص ۷۲ - ۵۳.
۳. قدردادن قراملکی، محمدحسن، ۱۳۸۵، *حکومت دینی از منظر استاد شهید مطهری*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۴. مطهری مرتضی، ۱۳۷۸، *یادداشت‌های استاد مطهری*، تهران، انتشارات صدرا.
۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲، *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی*، ج ۴ - ۱، تهران، انتشارات صدرا.
۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۸، *بیست گفتار*، تهران، انتشارات صدرا.
۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۰، *هدف زندگی*، تهران، انتشارات صدرا.
۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۱، *قیام و انقلاب مهدی (عج)*، تهران، انتشارات صدرا.
۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲، *خدا در زندگی انسان*، تهران، انتشارات صدرا.
۱۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰، *روحانیت*، تهران، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰، *سیری در سیره نبوی*، تهران، انتشارات صدرا.
۱۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۱، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران، انتشارات صدرا.
۱۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، *اسلام و مقتضیات زمان*، ج ۲، تهران، انتشارات صدرا.
۱۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، *امامت و رهبری*، تهران، انتشارات صدرا.
۱۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، انتشارات صدرا.
۱۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، *اسلام و مقتضیات زمان*، ج ۱، تهران، انتشارات صدرا.
۱۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، *پیرامون جمهوری اسلامی*، تهران، انتشارات صدرا.
۱۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، *نظری به نظام اقتصادی اسلام*، تهران، انتشارات صدرا.
۱۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶، *آشنایی با قرآن*، ج ۳ - ۱، ۶، ۱۴ - ۱۳، تهران، انتشارات صدرا.
۲۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، *یادداشت‌های استاد مطهری*، ج ۹، تهران، انتشارات صدرا.
۲۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۹، *حماسه حسینی*، ج ۲ - ۱، تهران، انتشارات صدرا.
۲۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰، *احیاء تفکر اسلامی*، تهران، انتشارات صدرا.
۲۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰، *حج*، تهران، انتشارات صدرا.

۲۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۱، *پانزده گفتار*، تهران، انتشارات صدرا.
۲۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴، *پنج مقاله*، تهران، انتشارات صدرا.
۲۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، *انسان‌شناسی قرآن*، تهران، انتشارات صدرا.
۲۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، *آینده انقلاب اسلامی ایران*، تهران، انتشارات صدرا.
۲۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، *شش مقاله*، تهران، انتشارات صدرا.
۲۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، *احیاء تفکر اسلامی*، تهران، انتشارات صدرا.
۳۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، *انقلاب اسلامی از دیدگاه فلسفه تاریخ*، تهران، انتشارات صدرا.
۳۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، *حکمت‌ها و اندرزها*، ج ۲، تهران، انتشارات صدرا.
۳۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، *مسئله شناخت*، تهران، انتشارات صدرا.
۳۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، *اهدای غیبی در زندگی بشر*، تهران، انتشارات صدرا.
۳۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، *انسان و سرنوشت*، تهران، انتشارات صدرا.
۳۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، تهران، انتشارات صدرا.
۳۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۷، *علل گرایش به مادی‌گری*، تهران، انتشارات صدرا.
۳۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۸، *عدل الهی*، تهران، انتشارات صدرا.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی